

سازمان‌های اطلاعاتی و توسعه اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۸

مهدی میرمحمدی*

غلامرضا سالارکیا**

چکیده

مقاله پیش رو با تمرکز بر نقش سرویس‌های اطلاعاتی در فرایند توسعه اقتصادی، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که «نهادهای اطلاعاتی چه نقشی در پیشبرد فرایند توسعه اقتصادی دارند؟». نویسندگان در پاسخ به این پرسش برآنند که سرویس‌های اطلاعاتی با تولید اطلاعات اقتصادی برای ایجاد توانایی رقابت در بازار، حفاظت از اطلاعات اقتصادی برای حفظ و استمرار توان رقابت اقتصادی ملی و نظارت بر فرایند توسعه برای تضمین امنیت اقتصادی، در پیشبرد و استمرار فرایند توسعه تأثیر مثبت دارند. همچنین، نویسندگان مدعی‌اند نقش سرویس‌های اطلاعاتی در توسعه اقتصادی، در چارچوب نقش‌های سه‌گانه اطلاعات در سیاست‌گذاری، شامل نقش شناختی، نظارتی و اجرایی، قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: سازمان‌های اطلاعاتی، توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاری، اطلاعات

اقتصادی، جاسوسی اقتصادی

* دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات در دانشگاه آزاد اسلامی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال پانزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۱ • شماره مسلسل ۵۷

مقدمه

توسعه اقتصادی یکی از مهمترین و مهیج‌ترین مباحث، به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. نتیجه این مباحث فراوان شکل‌گیری رویکردها و نظریه‌های مختلف درباره علل ناکامی و روش‌های مختلف دستیابی به توسعه بوده است. تمام این مباحث نیز به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌اند که چرا برخی کشورها توسعه نیافته‌اند و چگونه می‌توان این شرایط را تغییر داد؟ (Pomfret, 1992: 1). بسیاری از کشورهای جهان سوم از آمریکای لاتین گرفته تا خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی، با استفاده از نسخه‌های متعدد و بعضاً متناقض ارائه‌شده، با هیجانی وصف‌ناپذیر در پی آرمان ملتی توسعه‌یافته بوده‌اند. اگرچه بنیان مفاهیم و نظریه‌پردازی‌های توسعه را می‌توان به اواخر قرن ۱۸ و قرن نوزدهم نسبت داد، اما دهه ۵۰ قرن بیستم را باید دوران شکوفایی پژوهش‌هایی دانست که به دنبال پاسخ به پرسش چرایی توسعه‌نیافتگی و چگونگی توسعه بودند. از این رو، طی ۶۰ سال اخیر، مقالات و کتب فراوانی در خصوص روش‌های دستیابی به آرمان توسعه و عوامل و متغیرهای مؤثر در آن نگاشته شده است (Baran, 1973; Kitching, 1982, Little, 1983; Pomfret, 1992)؛ لفت و یک، ۱۳۸۴؛ موسوی جهرمی، ۱۳۸۸).

این پژوهش‌ها متغیرهای مختلفی همچون فرهنگ ملی، زیرساخت‌های اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، نظام سیاسی، رهبری و مدیریت اقتصادی را از جمله متغیرهای مؤثر در دستیابی به توسعه دانسته‌اند (Auroi, 1992; Bergstrom, 1997; Asher, 1962). هرچند مدیریت توسعه^۱ به مفهوم نقش و سهم نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در فرایند توسعه، یکی از مباحث مهم در نظریه‌پردازی توسعه بوده است (Forsyth, 2005: 151-154)، اما ادبیات موجود در این خصوص هیچ توجهی به نقش سازمان‌های اطلاعاتی به عنوان یکی از نهادهای دولتی در فرایند توسعه، به ویژه در کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته نکرده است. این در حالی است که ماهیت خاص نظام‌های سیاسی جهان سوم، نقش بی‌بدیلی به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در کشورداری می‌بخشد. از این رو، نوشتار حاضر با تمرکز بر نقش سرویس‌های

اطلاعاتی در فرایند توسعه اقتصادی، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که «نهادهای اطلاعاتی چه نقشی در پیشبرد فرایند توسعه اقتصادی دارند؟»

فرضیه نویسندگان در پاسخ به پرسش فوق این است که نهادهای اطلاعاتی به عنوان ابزار سیاست‌گذاری سه نقش اساسی در پیشبرد و استمرار فرایند توسعه دارند که عبارتند از:

- تولید اطلاعات اقتصادی برای ایجاد توانایی رقابت در بازار.

- حفاظت از اطلاعات اقتصادی برای حفظ و استمرار توان رقابت اقتصادی ملی.

- نظارت بر فرایند توسعه برای تضمین امنیت اقتصادی.

با توجه به این فرضیه، نویسندگان ابتدا به طور خلاصه مفهوم توسعه و الزامات اساسی آن و نقش عمومی نهادهای اطلاعاتی در سیاست‌گذاری را بررسی می‌کنند. بخش‌های بعدی مقاله، به فرضیه‌های سه‌گانه اختصاص خواهد یافت و بخش انتهایی نیز به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

الف. توسعه و الزامات اساسی آن

توسعه مفهومی چالش‌زا، پیچیده و مبهم است که رهیافت‌های مختلف تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند (Thomas, 2000, 2004).

رهیافت‌نوسازی آن را با تأکید بر صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی تعریف می‌کند، نظریه‌پردازان وابستگی با تأکید بر توسعه‌نیافتگی، توسعه را منوط به قطع روابط با جهان کاپیتالیستی می‌دانند و پست‌مدرن‌ها نیز توسعه و توسعه‌نیافتگی را برساخته‌ای اجتماعی و محصول گفتمان مسلط معرفی می‌کنند (Hickey and Mohan, 2003: 38؛ لفت ویک، ۱۳۸۴: فصل‌های دوم و سوم). با این وجود و به رغم رهیافت‌های مختلف در خصوص توسعه، تمام نظریه‌پردازان برآنند که توسعه مفهومی با ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و نمی‌توان آن را به یکی از این سه بعد تقلیل داد. بدین ترتیب می‌توان گفت توسعه ایجاد دگرگونی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با هدف فراهم‌آوردن شرایطی است که در آن افراد بیشتری امکان دستیابی به پتانسیل‌های انسانی خود را داشته باشند. با این حال، بعد اقتصادی توسعه، معمولاً بیش از دیگر ابعاد مورد توجه قرار گرفته و برای بیشتر مردم، توسعه با مفاهیمی اقتصادی مانند کاهش فقر، افزایش درآمد، صنعتی‌شدن و رشد اقتصادی هم‌پیوند بوده است (Kuper and Kuper, 1996: 212). نوشتار حاضر نیز، به رغم

درک اهمیت ابعاد سیاسی و اجتماعی توسعه، تمرکز خود را بر نقش سرویس‌های اطلاعاتی در فرایند توسعه اقتصادی قرار خواهد داد و تلاش می‌کند سهم این متغیر را در صنعتی شدن و بهبود زیرساخت‌های لازم برای استمرار توسعه اقتصادی، واکاوی نماید.

نظریه‌پردازان توسعه، با اجماع نسبی، توسعه اقتصادی را بر مبنای افزایش درآمد واقعی سرانه، بهبود تولید و نوآوری فن‌آورانه تعریف می‌کنند (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۷). توسعه به عنوان صنعتی شدن و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی، ضمن آنکه نیازمند سرمایه لازم برای ایجاد زیرساخت‌ها می‌باشد، مستلزم دانش و نوآوری‌های فن‌آورانه برای افزایش سرعت فرایند توسعه و افزایش توان رقابت اقتصادی ملی در برابر سایر رقباست. اساساً نظریه‌های جدید اقتصادی دانش و نوآوری فن‌آورانه را از عوامل مؤثر در صنعتی شدن و رشد اقتصادی مستمر می‌دانند (گیلین، ۱۳۸۷: فصل پنجم؛ موسوی جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). این نظریه‌ها برآنند که تنها در صورت تداوم پیشرفت فن‌آوری است که رشد اقتصادی در درازمدت حاصل می‌شود (گیلین، ۱۳۸۷: ۱۶۱). همچنین دانش و فن‌آوری است که عقب‌ماندگی ناشی از توسعه‌نیافتگی و ورود دیر هنگام به فرایند توسعه را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته جبران می‌کند. رشد شتابان و موفقیت‌های علمی و فنی کشورهای توسعه‌یافته، به ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، سبب شکاف اقتصادی عمیقی میان کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته شده است. در واقع، یکی از مشکلات کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای که به دنبال توسعه‌اند، دیر هنگام بودن ورود آنها به فرایند توسعه است (Hirschman, 1968: 7-11). کشورهای توسعه‌نیافته به دلیل آنکه دیرتر از رقبای خود وارد فرایند توسعه شده‌اند، همواره عقب‌تر از آنها بوده‌اند. از یک طرف، رقبا (کشورهای توسعه‌یافته‌تر) تمایلی به عقب‌ماندن از تازه‌واردان ندارند و موانعی برای آنها ایجاد می‌کنند، از سوی دیگر حتی اگر چنین مانعی هم وجود نداشته باشد، شکاف علمی میان توسعه‌نیافتگی و توسعه‌یافتگی به حدی است که کشورهای تازه‌وارد قادر نیستند به راحتی گوی سبقت را از آنان برابند. در چنین شرایطی، نوآوری‌های فن‌آورانه می‌تواند ضمن تسریع فرایند توسعه، عقب‌ماندگی نسبی کشورهای کمتر توسعه‌یافته را کاهش دهد.

نظریه‌های اقتصادی جدید، دولت را مهمترین و مؤثرترین بازیگر برای تأمین نیازهای فن‌آورانه توسعه اقتصادی معرفی می‌کنند. این نظریه‌ها برآنند که سیاست‌های دولت می‌تواند

روند پیشرفت فناوری را تسهیل یا کند نماید. هرچند به اعتقاد اقتصاددانان نئوکلاسیک، بازارهای آزاد به خودی خود نتایج کارآمدی به دنبال دارند، اما بر اساس نظریه‌های جدید رشد، نهادها و ساختارهای اقتصادی ملی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده پیشرفت فنی و رشد اقتصادی محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، باید گفت رشد فن‌آورانه در کشورها ناشی از سیاست‌های نهادهای دولتی است (گیلین، ۱۳۸۷: ۱۶۲). نظریه دولت توسعه‌ای^۱ نیز بیانگر نقش اساسی دولت و مدیریت اقتصادی آن در توسعه اقتصادی است (لفت و یک، ۱۳۸۴: فصل چهارم و هفتم؛ گیلین، ۱۳۸۷: ۴۰۴-۴۰۹). دولت توسعه‌ای، دولتی است که اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی آن به سمت توسعه سوق داده شده و اساساً توسعه هدف سیاسی این دولت‌ها به شمار می‌رود. در چنین دولتی، تمام نهادهای دولتی (از جمله سرویس‌های اطلاعاتی) به عنوان ابزارهایی در خدمت تحقق پیش‌زمینه‌های لازم برای توسعه عمل می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت درک دولت از نقش اساسی خود در تأمین پیش‌زمینه‌های فرایند توسعه اقتصادی، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مهمترین ضرورت گذار از شرایط توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی اقتصادی است. در واقع، نظریه‌های جدید اقتصادی و نظریه دولت توسعه‌ای، بر اهمیت و تأثیر تعیین‌کننده برنامه‌ریزی اقتصادی یا مدیریت توسعه توسط دولت تأکید می‌کنند.

ب. نهادهای اطلاعاتی و سیاست‌گذاری اقتصادی

طبق تعریف، نهادهای اطلاعاتی دستگاه‌هایی هستند که کارکرد اساسی آنها تولید اطلاعات به مفهوم نوع خاصی از شناخت و آگاهی برای استفاده تصمیم‌گیران می‌باشد. از این رو، تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری از جمله ویژگی‌های هستی‌شناختی این نهادها به شمار می‌رود. سرویس‌های اطلاعاتی سه نقش اساسی در فرایند سیاست‌گذاری دارند که عبارتند از نقش‌های شناختی، نظارتی و اجرایی (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۷). منظور از نقش شناختی، تولید شناخت و آگاهی مورد نیاز تصمیم‌گیران در فرایند سیاست‌گذاری است. نقش نظارتی به دنبال نظارت بر فرایند سیاست‌گذاری و پیامدهای آن از لحاظ حسن اجرای امور توسط کارگزاران درگیر در سیاست‌گذاری و بررسی

بازخوردهای سیاست‌ها و اطلاع‌رسانی آن به سیاست‌گذاران است. نقش اجرایی نیز به حضور مستقیم سرویس‌های اطلاعاتی در اجرایی شدن تصمیم خاص مربوط می‌شود. توسعه به عنوان فرایند نیازمند سیاست‌گذاری است. همان‌طور که مفهوم توسعه پیچیده و مبهم است، مدیریت توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی نیز بسیار پیچیده و در نتیجه مستلزم سیاست‌گذاری دقیق در عرصه توسعه خواهد بود. برنامه‌ریزی اقتصادی یا مدیریت توسعه، اصطلاحاتی هستند که در ادبیات توسعه به جای سیاست‌گذاری توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرند. منظور از برنامه‌ریزی اقتصادی فرایندی است که طی آن به صورت آگاهانه و ارادی به منظور حصول به اهداف مشخص اقتصادی، تصمیم‌گیری می‌شود (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۶۴). همان‌طور که این تعریف تصریح می‌کند، تصمیم‌گیری به عنوان قلب فرایند سیاست‌گذاری، محور اساسی برنامه‌ریزی اقتصادی است و از همین رو می‌توان آن را همان سیاست‌گذاری اقتصادی توسط دولت به شمار آورد. منظور از مدیریت توسعه نیز چگونگی طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌های توسعه‌ای است (Forsyth, 2005: 151). با توجه به آنکه مدیریت توسعه در واقع همان سیاست‌گذاری توسعه است، می‌توان انتظار داشت که نقش‌های سه‌گانه اطلاعات در سیاست‌گذاری ملی، در مدیریت توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی نیز مؤثر باشد.

از سوی دیگر، تحولات بین‌المللی نیز موضوعات اقتصادی را در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی قرار داده است. پس از پایان جنگ سرد و کاهش احتمال جنگ فراگیر هسته‌ای، روند دگرگونی «سیاست سفلی» به «سیاست اعلی» شتاب گرفت. به ویژه در قرن بیست و یکم، نگرانی‌های تجاری که زمانی به شدت تحت تأثیر منازعات ایدئولوژیک بودند، یکی از انگیزه‌های اصلی سیاست‌های ملی به شمار می‌روند. در بخش اعظم نیمه دوم قرن گذشته، تمرکز سیاست‌های تمامی کشورها روی موضوعات نظامی و سیاسی بوده است. این در حالی است که موضوعات نظامی و سیاسی تنها اولویت‌های کشورها در قرن جدید به شمار نمی‌آیند، به طوری که می‌توان گفت از دهه پایانی قرن بیستم به بعد قدرت نظامی روزبه‌روز نقش کمتری در تقویت، حفظ و گسترش امنیت کشورها ایفا کرده و شاید بتوان

ادعا نمود در آینده قابل پیش‌بینی، رقابت کشورها، به جای موضوعات نظامی، اغلب بر سر موضوعات اقتصادی خواهد بود.^۱

شاید تهدیدات امنیتی دولت‌ها در دهه‌های اخیر چندان جدید نباشند، اما متنوع‌تر و پیچیده‌تر هستند. بعضی از مشکلات نه امنیت ملی سنتی، بلکه رفاه ملی دولت‌ها را تهدید می‌کنند. پیچیده‌تر شدن هرچه بیشتر ساختار قدرت و تهدیدات، به مفهوم افزایش تردید در پیش‌بینی‌ها از آینده است. این پیچیدگی‌ها منجر به دگرگونی در اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی کشورها در دهه‌های اخیر شده‌اند. بدین ترتیب، دستور کار سیاست خارجی و امنیتی کشورها که غالباً بر اساس اولویت تهدیدات و اهداف نظامی - امنیتی تعیین می‌شد، اهداف و تهدیدات اقتصادی و رفاهی مانند قاچاق، پول‌شویی، مسائل زیست‌محیطی و مانند آن را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است. پس از جنگ سرد، دیگر دوران روابط امنیتی گذشته که مسائل اقتصادی را تحت الشعاع قرار می‌داد، به سر آمده است (Porteous, 1994). امروزه، وابستگی روزافزون اقتصادی میان دولت‌ها و رقابت رو به افزایش جهانی بر سر منافع اقتصادی به منزله منشأ بروز تنش و جنگ میان قدرت‌های جهانی است، هر چند احتمال جنگ نظامی در مقایسه با دوران جنگ سرد کاهش یافته است، اما شاهد افزایش جنگ اقتصادی میان آنها هستیم.

این دگرگونی کیفی در دستور کار سیاسی کشورها، تأثیر بسزایی بر سازمان‌های اطلاعاتی، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته بر جای گذاشته است. تا همین اواخر، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و کانادا، به دلیل درگیری در منازعات جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، موضوعات اقتصادی و تجاری را در درجه دوم اولویت‌های خود قرار داده بودند و مسائل نظامی - سیاسی در جایگاه نخست توجه قرار داشتند (Porteous, 1995). در حال حاضر، تمامی کشورها «رکود اقتصادی، فقر نسبی و ناآرامی‌های اجتماعی ناشی از آن» را تهدید جدی امنیت ملی خود به شمار می‌آورند. از این رو، شاید تأکید بر نقش اقتصادی دولت‌ها در عصر آزادسازی قدری شگفت‌آور باشد، اما دقیقاً به دلیل وابستگی متقابل و بازبودن اقتصاد بین‌المللی است که دولت‌ها باید در پیشبرد راهبردهای توسعه از جانب موکلان اقتصادی‌شان مشارکت کنند

۱. هم‌اکنون تنش میان کشورهای اروپایی بر سر مسائل اقتصادی با همدیگر و چین، منازعه بر سر تحریم نفتی ایران و موارد مشابه، نمادهایی از تبدیل شدن موضوعات اقتصادی به نگرانی‌های عمده بین‌المللی است.

(کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۲۴). بنابراین، تمامی کشورها تلاش می‌کنند از تمامی امکانات خود برای بالابردن میزان تولید و تضمین امنیت اقتصادی استفاده کنند و یکی از مؤثرترین امکانات «جاسوسی اقتصادی» است. طبق اظهارات جیمز ولسی، رئیس اسبق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، در حال حاضر، جاسوسی اقتصادی داغ‌ترین مسئله در سیاست‌های اطلاعاتی به شمار می‌آید (Porteous, 1994؛ گادسون و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۹۰). ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی و به ویژه در دوران هشت‌ساله ریاست جمهوری بیل کلینتون به شدت تلاش کرد اهداف اقتصادی را در اولویت قرار دهد. حتی بخش‌های اقتصادی سفارت‌خانه‌های آمریکا، برای دستیابی به اهداف مورد نظر اقتصادی فعال‌تر شدند. در سال ۱۹۹۴، کلینتون عنوان کرد چیزی که وی از اطلاعات ایالات متحده توقع دارد، حفاظت و تعقیب منافع اقتصادی ایالات متحده است:

«به منظور پیش‌بینی کافی خطرات پیش روی دموکراسی و هرچه بهترشدن اقتصاد ایالات متحده، جامعه اطلاعاتی بایستی پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی آن دسته از کشورهایی را که منافع ایالات متحده به طور چشم‌گیری با آن در ارتباط است و جمع‌آوری اخبار آشکار از طریق منابع آشکار به قدر کافی میسر نباشد، را دنبال نماید» (Snyder, 1997).

در این باره میشل وان کلیو، معاون اداره سیاست فن‌آوری و علمی در کاخ سفید اظهار می‌دارد: «ظاهراً سرویس‌های اطلاعاتی ابزاری در اختیار دارند که می‌تواند اطلاعات مفیدی در زمینه تجارت فراهم سازد. به عنوان مثال جزئیاتی در مورد شرکت‌های رقیب، کشفیاتی در مورد طرح‌های اصلی در حال اجرا در خارج، اطلاعاتی در مورد موافقت‌نامه‌های مالی موجود، و همچنین دیدگاه‌هایی در مورد برنامه‌های تحقیقاتی دولت و صنایع» (شوایتزر، ۱۳۸۷: ۳۷۸).

برخی از نویسندگان معتقدند با وجود اینکه پس از جنگ سرد، از میزان مسابقات تسلیحاتی کاسته شده، اما شدت رقابت‌های جاسوسی و اطلاعاتی به طور حیرت‌انگیزی افزایش نشان می‌دهند و حوزه این فعالیت‌های جاسوسی نه موضوعات نظامی - سیاسی که

موضوعاتی مانند شرکت‌های بازرگانی خصوصی، اسرار تجاری، تکنولوژی‌های برتر و مانند آنهاست (Wright, 1991).

به طور سنتی، سازمان‌های اطلاعاتی، موضوعات نظامی و امنیت سرزمینی مانند برآورد احتمال حمله دشمن، ارزیابی توانایی‌های نظامی حریف، مقابله با گروه‌های مخالف سیستم سیاسی و در کل، موضوعات مربوط به سیاست‌گذاری در خصوص سیاست‌های امنیتی را در دستور کار خود قرار می‌داد، اما امروزه به دلیل تغییر در دستور کار کلی سیاسی دولت‌ها، موضوعات مربوط به سیاست‌های رفاهی و اقتصادی، فرهنگ و محیط زیست نیز از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های آنان برخوردار می‌باشد. در دوران جدید، این امکانات علاوه بر موضوعات نظامی و سیاسی باید در راستای موضوعات مهم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیط زیستی نیز به کار گرفته شود. در دوران جدید که ویژگی آن جهانی شدن تمام عرصه‌ها از جمله اقتصاد است، کسب شناخت از توانمندی‌های نظامی حریف کافی نخواهد بود و شناخت دقیق از جامعه، فرهنگ، اقتصاد و سنت‌های دیگر کشورها، نقش مکمل شناخت نظامی را ایفا خواهند کرد. در اقتصاد جهانی شده، نگرانی‌های اقتصادی تقریباً همواره بر اولویت‌های سیاسی برتری خواهند داشت و هر کشوری تلاش می‌کند بازی در بازار آزاد را به نفع خود تمام کند. موفقیت در این هدف نیازمند داشتن اطلاعات گوناگون از عرصه‌های مختلف اقتصاد است و سازمان‌های اطلاعاتی، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و تخصص در کسب اطلاعات، نقش عمده‌ای در این عرصه ایفا خواهند کرد.

ج. اطلاعات اقتصادی؛ عامل رقابت و کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه

فرضیه اول این مقاله بر آن است که سازمان‌های اطلاعاتی با تولید «اطلاعات اقتصادی»^۱ منجر به افزایش توان رقابت اقتصاد ملی و کاهش هزینه‌های مربوط به فرایند تحقیق و توسعه و تولید نوآوری‌های فن‌آورانه می‌شوند. قبل از بررسی این فرضیه به نظر می‌رسد لازم است مفهوم «اطلاعات اقتصادی» تعریف شود، چرا که متأسفانه یکی از مشکلات جدی در مفاهیم و

اصطلاحات مرتبط با اطلاعات اقتصادی، نبود تعریف واضح و از منظری ایده‌آل‌تر، واحد است. در ادبیات اطلاعاتی، اصطلاحات متعدد و مترادفی مانند اطلاعات تجاری، جاسوسی صنعتی، اطلاعات صنعتی، اطلاعات اقتصادی، جاسوسی اقتصادی، اطلاعات بازرگانی و مانند آن وجود دارند که به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند و کار را برای بررسی و درک تفاوت‌ها با مشکل روبه‌رو می‌کند.

رسیدن به برداشت مشترک از مفهوم اطلاعات اقتصادی، مستلزم بررسی نظریات موجود در این خصوص است. طبق نظر شومپیتر^۱ اطلاعات اقتصادی آن عملی است که اقتصاددانان در سازمان‌های اطلاعاتی انجام می‌دهند. این تعریف تلاش‌های افراد و سازمان‌های خصوصی برای به دست آوردن اطلاعات محرمانه و ویژه در ارتباط با فن‌آوری، ارتباطات تجاری، قیمت‌ها و طرح‌های اقتصادی مشتریان و رقیبانشان انجام می‌دهند، را شامل نمی‌شود. علاوه بر این، چنین تعریفی حتی ارزیابی‌های افراد یا شرکت‌های خصوصی و حتی ادارات دولتی خارج از جامعه اطلاعاتی را در مورد وضعیت جاری و آتی اقتصاد شامل نمی‌گردد (لاکوئر، ۱۳۸۱: ۷۶). بنابراین به نظر می‌رسد این تعریف قدری تقلیل‌گرایانه است.

در کنار این برداشت ناقص از اطلاعات اقتصادی ما با دو اصطلاح «جاسوسی اقتصادی» و «جاسوسی صنعتی» روبه‌رو هستیم که همواره به جای اطلاعات اقتصادی و معادل آن به کار می‌روند. بر اساس آنچه در ادبیات اطلاعاتی وجود دارد، منظور از جاسوسی اقتصادی، اقدام دولت‌ها برای سرقت اخبار اقتصادی از یکدیگر است، اما در جاسوسی صنعتی، شرکت‌های خصوصی اقدام به سرقت اخبار اقتصادی یکدیگر می‌کنند. برای مثال در جاسوسی صنعتی، یک شرکت کره جنوبی به استراق سمع ارتباطات شرکت ایتل می‌پردازد. چنانچه دولت کره تجهیزات و پشتیبانی از شنود را برای این شرکت فراهم کرده یا مالک شرکت کره‌ای باشد، فعالیت‌های این شرکت جاسوسی اقتصادی نام دارد (Nasheri, 2005: 13).

با این حال به نظر می‌رسد اطلاعات اقتصادی مفهومی جامع‌تر از جاسوسی اقتصادی یا صنعتی است و مفاهیم اخیر را باید بخشی از اصطلاح گسترده‌تر اطلاعات اقتصادی دانست. ضمن آنکه اطلاعات اقتصادی را باید محصول کنش جاسوسی اقتصادی و صنعتی دانست. در

1. Schumpeter

واقع، عملیات جاسوسی اقتصادی و صنعتی منجر به تولید اطلاعات اقتصادی می‌شود. اطلاعات اقتصادی محصول، جمع‌آوری داده‌های اقتصادی توسط یک دولت درباره دولتی دیگر است. جاسوسی اقتصادی یا صنعتی (به عنوان کنشی که محصول آن اطلاعات اقتصادی است) به سرقت بردن اخبار انحصاری^۱ یا اسرار تجاری است. منظور از اخبار انحصاری، اخبار مربوط به منابع، فعالیت‌ها، تحقیق و توسعه، سیاست‌های تجاری و اقتصادی و فن‌آوری‌های حساس در اختیار و مالکیت هر بازیگر اقتصادی دولتی یا غیردولتی است. اگرچه ممکن است این اخبار غیرطبقه‌بندی شده باشند، اما از دست رفتن آن می‌تواند توانایی‌های بازیگر اقتصادی را در رقابت در بازار جهانی کاهش داده و تأثیرات نامطلوبی بر روی موجودیت آن بگذارد (Nasheri, 2005: 10). داده‌های اقتصادی شامل اخباری نظیر تولید ناخالص داخلی ملی و منحنی‌های نرخ تورم است که می‌تواند در منابع منتشرشده در دسترس باشد یا اخباری با محرمانگی بیشتر نظیر بودجه‌های اختصاص داده‌شده به فعالیت‌های دفاعی و تحقیقات ملی و هزینه‌های توسعه‌ای باشد. در جاسوسی فن‌آوری، هر دولت به جمع‌آوری داده‌ها درباره برنامه‌های توسعه فن‌آوری‌های دیگران که عموماً جزء صنایع حساس شناخته می‌شوند مانند صنایع الکترونیک، هوا فضا، دفاعی یا بیوتکنولوژی می‌پردازد.

طبق تعریف سرویس اطلاعاتی کانادا، اطلاعات اقتصادی عبارت است از: «اخبار مربوط به سیاست‌های اقتصادی یا تجاری شامل داده‌های فن‌آورانه، مالی، بازرگانی و اخبار دولتی که دستیابی به آنها توسط کنش‌گران خارجی مستقیماً یا غیرمستقیم منجر به برتری نسبی آنها در رقابت اقتصادی می‌گردد» (Nasheri, 2005: 17). اگرچه این تعریف شمولیت نسبی بیشتری در مقایسه با تعاریف قبلی دارد، اما همچنان به داده‌های اقتصادی داخلی و اقداماتی که برای حفاظت از آنها یا شناسایی فساد و کژکارکردی‌های اقتصاد داخلی می‌شود، نمی‌پردازد. از این رو نویسندگان، اطلاعات اقتصادی را با توجه به ملاحظات داخلی به شرح زیر تعریف می‌کنند: «اخبار مربوط به سیاست‌های اقتصادی یا تجاری شامل داده‌های فن‌آورانه، مالی، بازرگانی و اخبار دولتی که دستیابی به آنها توسط کنش‌گران خارجی به طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به برتری نسبی آنها در رقابت اقتصادی و یا تهدید امنیت ملی کشور می‌گردد. همچنین، آن

دسته از داده‌های مربوط به کارکردها و ناهنجاری‌های فن‌آورانه، پولی، مالی، تجاری و بازرگانی خصوصی و دولتی داخلی که توسط سرویس اطلاعاتی یا سایر نهادهای تولیدکننده شناخت اقتصادی جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و توزیع می‌گردد و بر امنیت اقتصادی و توان رقابت اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارد.»

بدین ترتیب می‌توان گفت اطلاعات اقتصادی، یکی از انواع خاص محصولات شناختی سرویس‌های اطلاعاتی است که نتیجه جمع‌آوری داده‌های اقتصادی از رقبا و نظارت بر اقتصاد داخلی است.

۱. اطلاعات اقتصادی؛ عاملی برای افزایش قدرت رقابت ملی

دولت‌ها به رغم نوع و شیوه حکمرانی، تحت فشار فزاینده رفع نیازهای رو به رشد مردم و تأمین ثبات و رشد اقتصادی جوامع خود قرار دارند. رشد جمعیت در نقاط مختلف جهان، نیاز به شغل مناسب به منظور پرداخت هزینه‌های خوراک، پوشاک و مسکن را افزایش داده است. همچنین، با هرچه نزدیک‌شدن جوامع به مفهوم دهکده جهانی و ارتباطات همه‌جانبه مردم با یکدیگر، من جمله نخبگان تحصیل‌کرده در بهترین دانشگاه‌های دنیا، توقع زندگی مرفه‌تر بیش از پیش شده است. در بازار جهانی که هر روز رقابت در آن فشرده‌تر می‌شود، قدرت رقابت صنایع داخلی اغلب به معنای به وجود آمدن ثروت و رفاه و امنیت ملی در مقابل فقر و بی‌ثباتی است. برای تمامی کشورها، سرمایه‌گذاری بهینه و ثمربخش در صنایع مطلوب و در زمان مناسب، بخش مهمی از سیاست اقتصاد ملی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و به این علت، اطلاعات اقتصادی فراهم‌شده از ملل رقیب، عنصر ضروری تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری صحیح به شمار می‌رود.

در ایالات متحده، سه سازمان عضو جامعه اطلاعاتی این کشور یعنی سیا، وزارت خزانه‌داری (دفتر اطلاعات و تحلیل) و وزارت امورخارجه (دفتر اطلاعات و تحقیقات) جمع‌آوری‌کننده، تحلیل‌گر و توزیع‌کننده ارشد و اصلی اطلاعات اقتصادی به شمار می‌آیند. پیش از تشکیل دفتر اطلاعات ملی، سیا دو محصول مهم ویژه اطلاعات اقتصادی منتشر

می‌نمود. «گزارش روزانه اطلاعات اقتصادی»^۱ که مجموعه‌ای از مقالات درباره موضوعات جاری اقتصادی بود و پنج روز در هفته تهیه و برای رفع نیازهای مقامات ارشد سیاست‌گذار اقتصادی در کابینه و سطح معاونان آنان توزیع می‌گردید و دیگری «اطلاعات اقتصادی هفتگی»^۲ بود که هر هفته توسط معاونت اطلاعات تهیه می‌شد و در آن تحلیل‌هایی درباره پیشرفت‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی اقتصاد خارجی منعکس می‌شد و برای بهره‌برداری سیاست‌گذاران ارشد و میانی دولت ارسال می‌گردید (Sean, 1997). تهیه این محصولات با تأسیس دفتر اطلاعات ملی به این دفتر محول گردید.

در کنار سیما، دفتر تحلیل‌های سیاسی اداره اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجه با استفاده از گزارش سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌های خود به تولید اطلاعات اقتصادی می‌پردازد. این گزارش‌ها توسط افسران اقتصادی وزارت امور خارجه به رشته تحریر در می‌آید. این وظیفه در دفتر تحلیل‌های اقتصادی واقع در معاونت تحلیل تولید دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجه به انجام می‌رسد. در این بخش، گزارش‌های مشروع برای سیاست‌گذاران درباره موضوعات جاری و بلندمدت موضوعات اقتصاد بین‌المللی نظیر سیاست‌های اقتصادی خارجی، چرخه‌های تجاری، تجارت، موضوعات مالی، غذا، جمعیت و انرژی و ارتباط اقتصادی میان کشورهای صنعتی و کشورهای درحال رشد تهیه می‌شود (Richelson, 2008: 143).

در کشورهای توسعه‌یافته، اطلاعات اقتصادی دقیق به هدایت هرچه بهتر سرمایه‌ها به سوی صنایعی که بهترین رشد را داشته باشند، کمک می‌کند. در این کشورها، همچنین، اطلاعات اقتصادی برای پشتیبانی از صنایع رو به رشدی که نیاز به هرچه بهتر کردن قدرت رقابت خود در مقابل شرکت‌های رقیب دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمام دولت‌ها، با محدودیت منابع مالی روبه‌رو هستند و مدیریت مؤثر بودجه‌ها، لزوم دسترسی به اطلاعات اقتصادی دقیق، کامل و بهنگام را به همراه دارد. امروزه منافع سیاسی خاص دولت در هر کشور مستقیماً با سرنوشت رقابت اقتصادی شرکت‌های ملی یا شرکت‌هایی که در قلمرو آن کشور قرار دارند، پیوند می‌خورد. دولت‌ها در برهه‌های کلیدی توسعه، از رقابت اقتصادی

1. Daily Economic Intelligence Brief (DEIB)

2. Economic Intelligence Weekly (EIW)

شرکت‌های کشور متبوع خود به عنوان ابزار دستیابی به منافع ملی استفاده می‌کنند. بر همین اساس، دولت ایالات متحده از پروژه‌های فن‌آورانه شرکت‌های آمریکایی حمایت کرده یا به بهانه حفظ امنیت ملی در معاملات تجاری دخالت کرده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۳۲ و ۱۲۳). برای مثال، بیل کلیتون در سال ۱۹۹۵ دستور اجرایی شماره ۳۵ ریاست جمهوری را با موضوع پشتیبانی اطلاعاتی از سیاست اقتصادی امضا کرد که طبق آن، «اطلاعات اقتصادی نقش فزاینده و مهمی در کمک به سیاست‌گذاران برای درک گرایش‌های اقتصادی ایفا خواهد کرد. اطلاعات اقتصادی می‌تواند طرف‌های آمریکایی را در مذاکرات تجاری پشتیبانی کند و با شناخت برخی تهدیدها، که از سوی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی یا فعالیت‌های تجاری غیرمنصفانه برای شرکت‌های آمریکایی متصور است، به هموارکردن زمین بازی اقتصادی کمک کند.» در اکتبر همین سال، گزارش‌های مطبوعاتی از استراق سمعی خبر دادند که مأموران ایالات متحده در طی مذاکرات حساس‌شان با ژاپنی‌ها در بهار همان سال به انجام رسانده بودند. این مذاکرات در حالی صورت گرفت که ایالات متحده تهدید به تحریم واردات اتومبیل‌های لوکس ژاپنی کرده بود. هر روز صبح گروه کوچکی از افسران اطلاعاتی به میکی کانتور^۱، نماینده تجاری ایالات متحده و دستیاران او اخباری را تحویل می‌دادند که توسط ایستگاه سازمان سیا در توکیو و سیستم‌های استراق سمع الکترونیکی سازمان امنیت ملی جمع‌آوری شده و سپس توسط تحلیل‌گران سازمان سیا در واشنگتن بررسی و گزینش می‌شد. کانتور، توضیحات مربوط به مکالمات بین مقامات اداری و مدیران عامل شرکت‌های توپوتا و نیسان را دریافت می‌کرد. آنها به دنبال راه حلی برای مشکل بودند و همچنین از فشارهای مخالفی که بر ریوتارو هاشیموتو^۲، وزیر بازرگانی ژاپن وارد می‌شد، مطلع شده بودند (ترورتون، ۱۳۸۳: ۲۴۸-۲۵۱). این یکی از مثال‌های بارز بهره‌برداری از اطلاعات اقتصادی در پشتیبانی از مذاکرات تجاری است.

فیلیپ زلیکوف (Zelikow, 1997) معتقد است اطلاعات اقتصادی به چهار طریق می‌تواند

در سیاست‌گذاری اقتصادی هر کشور مؤثر باشد:

-
1. Micky Kantor
 2. Ryutaro Hashimoto

۱. بالفعل کردن توانمندی‌های منحصر به فرد کشور؛ به عنوان مثال فرض کنید کشور روی کمر بند مس قرار دارد و استخراج آن می‌تواند اقتصاد کشور را دگرگون کند، اما به دلیل عدم دسترسی به تکنولوژی استخراج و فراوری، از این امکان بالقوه محروم شده است. در چنین شرایطی، سرویس اطلاعاتی می‌تواند با سرقت فن‌آوری مربوطه، باعث بالفعل شدن این فرصت شود.

۲. در هنگام تصمیم‌گیری بر سر موضوعات و مسائلی که هیچ اطلاعات آشکاری در خصوص آنها وجود ندارد؛

۳. تطبیق و سازگاری معلومات موجود با نیازمندی‌های خاص کشور؛

۴. در مواقعی که بخش خصوصی توجیهی برای فعالیت اقتصادی یا توان انجام فعالیت اقتصادی را ندارد. به عنوان نمونه، همان‌طور که در بخش‌های اولیه مقاله اشاره شد، تلاش برای دسترسی به فن‌آوری‌های روز دنیا یکی از ضرورت‌های استمرار رشد اقتصادی است. در عین حال، چون بخش خصوصی توانایی یا انگیزه لازم برای آن را ندارد، هیچگاه اقدام به سرمایه‌گذاری در امر انتقال فن‌آوری به کشور نخواهد کرد، اما سرویس اطلاعاتی به عنوان نهاد دولتی می‌تواند با تولید اطلاعات اقتصادی و انتقال فن‌آوری‌های مورد نیاز کشور، زمینه لازم برای رشد اقتصادی را فراهم آورد. در این دیدگاه، انتقال فن‌آوری به کشور نوعی کالای عمومی در نظر گرفته می‌شود که بخش غیردولتی انگیزه‌ای برای تولید آن ندارد. کنت دمارانش، رئیس سابق سرویس اطلاعات خارجی فرانسه معتقد است جاسوسی اقتصادی به شکل سلاح استراتژیک با تأثیر قوی در آمده است (دمارانش، ۱۳۸۰: ۱۶۲).

۲. جاسوسی اقتصادی: تحقیق و توسعه ارزان

یکی از اهداف جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی، بررسی و مقایسه جایگاه صنایع ملی در مقایسه با دیگر کشورهاست. بسیاری از کشورها از این موضوع که پایداری و موفقیت در عرصه رقابت اقتصادی جهانی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های مالی و فن‌آورانه در صنایع ملی است، آگاهند. چنین آگاهی‌ای معمولاً منجر به تصمیماتی می‌شود که جاسوسی اقتصادی در قلب آن قرار دارد. کشورهایی که توانایی تأمین بودجه‌های کلان پیشبرد و توسعه صنایع خود را دارند،

با تخصیص بودجه‌های تحقیق و توسعه ابداعات فن‌آورانه را مستمراً در صنایع خود بازتولید می‌کنند و از سوی دیگر، با حفاظت از دستاوردهای فن‌آورانه و جلوگیری از انتقال بدون معامله آن به سایر کشورها، مزیت و برتری خود را در برابر سایرین حفظ می‌نمایند، اما کشورهای که قادر نیستند هزینه‌های پیشرفت صنایع خود را بپردازند، به سرقت فن‌آوری و اخبار انحصاری دیگران می‌پردازند تا صنایع ناتوان خود در عرصه رقابت اقتصادی را نجات دهند. چنین کشورهایی، ضمن آنکه روند تجارت قانونی و ارتباط با اقتصاد جهانی را ادامه می‌دهند، زمینه‌های اصلی رشد اقتصادی خود را از طریق جاسوسی اقتصادی تأمین می‌کنند. برای مثال، بر اساس مطالعه انجام‌شده، به طور متوسط دوازده سال کار مداوم و ۲۳۱ میلیون دلار سرمایه لازم است تا داروی جدیدی وارد بازار آمریکا شود. این در حالی است که آزمایشگاه‌های تایلند، هند و برزیل، پس از عرضه آن دارو در آمریکا، در عرض چند ماه با سرقت فرمول آن اقدام به تجاری‌سازی همان محصول می‌کنند. این مسئله سالانه چهار میلیارد دلار برای شرکت‌های آمریکایی هزینه در بر داشته است (شوایتزر، ۱۳۸۷: ۳۳۸).

در واقع، کشورهایی که سرمایه لازم برای تأمین بودجه‌های سرسام‌آور تحقیق و توسعه را ندارند، در صورتی که به فن‌آوری‌های نوین دسترسی نیابند، نمی‌توانند از استمرار رشد اقتصادی خود در بلندمدت مطمئن باشند. بدون دست‌یازیدن به جاسوسی اقتصادی، سرنوشت محتوم چنین کشورهایی عقب‌ماندن از کورس رقابت اقتصادی است. از سوی دیگر، این کشورها چاره‌ای جز توسل به اطلاعات اقتصادی در جهت تأمین نیازهای خود به فن‌آوری ندارند. یکی از مثال‌های بارز در این خصوص، اقدامات شوروی برای جاسوسی اقتصادی در آمریکا بود. با توجه به عقب‌ماندگی فن‌آورانه شوروی در مقایسه با آمریکا در دوران جنگ سرد و عدم وجود منابع مالی مورد نیاز برای تحقیق و توسعه در تمام زمینه‌های فن‌آورانه، تقریباً از دهه ۱۹۳۰ میلادی و حتی قبل از آن، اتحاد شوروی اقدامات متعددی برای دستیابی به ابداعات فن‌آورانه در آمریکا و کشورهای اروپای غربی انجام داد و این اقدامات حتی در زمان گورباچف نیز ادامه داشت (Warner, 1994). از نظر وارنر، هدف اصلی از جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی (در قالب جاسوسی اقتصادی و صنعتی) حفظ توان رقابت فن‌آورانه و دسترسی به فن‌آوری‌های برتر و نظامی است.

۲-۱. حفاظت از اطلاعات اقتصادی بومی برای حفظ و استمرار رقابت در بازار

یکی از خطراتی که می‌تواند امنیت اقتصادی^۱ کشورها را در عصر اقتصاد جهانی به مخاطره افکند، جاسوسی اقتصادی رقبا از یکدیگر است. در چنین شرایطی، حفاظت و صیانت از اطلاعات اقتصادی کشور مطلوب‌ترین روش مقابله است، چرا که در جهان رقابت اقتصادی، حتی کشورهای متحد نیز به دنبال برتری بر همدیگرند و اساساً چیزی به نام سازمان‌های اطلاعاتی دوست وجود ندارد؛ تنها چیزی که وجود دارد، سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای دوست است (لوونتال، ۱۳۸۷: ۱۹۵). از این رو لازم است کارکردهای ضد اطلاعاتی سازمان‌های اطلاعاتی که به طور سنتی بر حفظ اطلاعات نظامی و سیاسی متمرکز بوده است، در جهت حفظ دستاوردهای فن‌آورانه و اقتصادی نیز به کار گرفته شود. اهمیت این موضوع با توجه به اینکه دستیابی به نوآوری‌های جدید و حفظ انحصار نسبی آن از شرایط مهم افزایش توان تولیدی و رقابتی در اقتصاد جهانی است، روشن‌تر می‌گردد. در اساس، صنعت باید نوآوری، کیفیت و قدرت تولید داشته باشد تا در بازار جهانی توان رقابت بیابد. بنابراین، باید از توانایی سازمان‌های اطلاعاتی برای حفظ دستاوردهای علمی و اسرار تجاری در برابر دسترسی سایر بازیگران دولتی و غیردولتی نیز استفاده شود.

اگر در زمان جنگ سرد یا در عصر اولویت‌داشتن موضوعات نظامی و امنیتی، رقابت صرفاً میان دشمنان و رقبا تعریف می‌شد، در عصر اقتصاد جهانی حتی متحدین نیز رقیب اقتصادی جدی برای یکدیگر به شمار می‌آیند. بر همین اساس، جفری رایت (که از محققین نظامی پنتاگون است) به سیاست‌مداران آمریکا توصیه می‌کند که اقدامات و سیاست‌های اقتصادی ژاپن را با همان شدتی که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ شوروی را کنترل می‌کرد، تحت نظارت و اقدامات اطلاعاتی قرار دهد (Wright, 1991). پیر ماریون، رئیس سابق اطلاعات فرانسه، در سال ۱۹۹۱ در یک برنامه تلویزیونی اظهار می‌دارد «طبیعی نیست که ما در امور سیاسی علیه ایالات متحده اقدام به جاسوسی نماییم. ما واقعاً متحد هستیم، اما در رقابت‌های اقتصادی و

۱. «امنیت اقتصادی» عبارت است از وجود مستمر شرایط لازم برای ایجاد بهبودی مداوم در شرایط کار و تولید، وجود استانداردهای بالای زندگی برای شهروندان شامل فرصت‌های شغلی پویا و خلاق، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی پایدار.

فن‌آورانها رقیب هستیم و نه متحد» (جانسون، ۱۳۸۴: ۳۱۱). ماریون جاسوسی اقتصادی را از ضروریات زندگی می‌دانست (شوایتزر، ۱۳۸۷: ۱۱۳).^۱

نکته‌ای که در زمینه کارکردهای حفاظتی سازمان‌های اطلاعاتی حائز اهمیت است، حفاظت از اطلاعات اقتصادی بخش‌های دولتی و غیردولتی کشور می‌باشد. از طرف دیگر، رقبای جستجوکننده برای این اطلاعات نیز صرفاً دولت‌ها نیستند، بلکه سایر بازیگران اقتصادی جهانی مانند شرکت‌های چندملیتی و مانند آنها نیز باید مد نظر باشند، چراکه امروزه هم بازیگران غیردولتی و هم دولت‌ها قادرند بازارهای مالی بین‌المللی را در راستای اهداف خویش مورد استفاده قرار دهند، اهدافی که می‌تواند منافع و امنیت ملی دیگر کشورها و حتی اقتصاد جهانی را بی‌ثبات سازد. در دنیای امروز، مشخص کردن هویت شرکت‌ها در موضوعات مختلف صنعتی و اقتصادی (مانند عقد قرارداد، بیمه، سرمایه‌گذاری و مانند آن) بسیار مشکل شده و اعتماد به شرکت‌های چندملیتی به سادگی ممکن نیست. امروزه در عصر اطلاعات نیازمند آن هستیم که اقتصاد ملی توانایی رقابت جهانی خود را حفظ نماید و در عین حال بتواند اطلاعات خود را در مقابل رقبای، مزاحمان، مشتریان، تأمین‌کنندگان و دول خارجی حفظ نماید.

برخی از کشورهای بزرگ هدف جاسوسی اقتصادی، نظیر ایالات متحده، قوانین مجازات جمع‌آوری‌کنندگان اطلاعات اقتصادی را به تصویب رسانده‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۹۶ ایالات متحده، مجازات شرکت‌ها و افرادی را که اسرار تجاری را به سرقت برده یا انتقال می‌دهند، به بیش از ۱۵ سال زندان و جریمه مادی بالای ۱۰ میلیون دلار آمریکا تعیین کرد. در سال ۲۰۰۲، دادستان کل ایالات متحده، قانون جاسوسی اقتصادی را با اعطای اختیارات بیشتر به مدعی‌العموم‌های فدرال در تفسیر تخطی از قانون، تقویت کرد (Lung, 2003). در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده استراتژی ضد اطلاعات ملی را که نشانه‌هایی از تغییر در رویکرد با توجه به جاسوسی اقتصادی را به همراه داشت، منتشر کرد. استراتژی جدید، تلاش‌های ضد

۱. پیر ماریون که در زمان میتران عهده‌دار مدیریت سرویس مخفی فرانسه شد، بنا به درخواست میتران تحولات بنیادینی را در این سرویس خصوصاً در بخش اقتصادی آن به وجود آورد. میتران از وی خواسته بود سه اولویت عمده را مد نظر خود قرار دهد. اول، افزایش توان جاسوسی فرانسه علیه کشورهای بلوک شرق، دوم، در زمینه داخلی تشکیل اردوی قوی برای جلوگیری از نفوذ شوروی و سوم، اصلاح بازده جاسوسی اقتصادی، فن‌آوری و صنعتی در جهت حمایت فرانسه (شوایتزر، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

اطلاعات را از رویکردی واکنشی به رویکردی تهاجمی با تأکید بر روی حفاظت از فن‌آوری‌های حساس تغییر داده است. سازمان‌های انتظامی نظیر دفتر تحقیقات فدرال (اف‌بی‌آی)، منابع بیش‌تری برای دفاع از اقدامات اطلاعاتی خارجی درون مرزهای آمریکا را دریافت خواهند کرد. همچنین، استراتژی جدید سطحی مطمئن از امنیت را برای بازیگران عرصه اقتصادی در تجارت و صنعت ایالات متحده وعده داده است. گرچه فحوای موضوع بدین معناست که سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده موظف شده‌اند مستقیماً به شرکت‌ها و صنایع شخصی کمک کنند، اما به طور رسمی هیچ مقام دولتی در ایالات متحده این کمک‌ها را افشا نکرده است. در متن این استراتژی آمده است:

«استراتژی دفاع ملی ایالات متحده آمریکا بر این اساس تدوین شده است که با استفاده از فن‌آوری‌ها و ابزارالات نوین و پیشرو، مسیر خود را هموار ساخته و حتی‌المقدور از توان‌مندی‌های حساس و پیشرفته بهره‌جوید. از سوی دیگر، دشمنان ما همواره به دنبال آن هستند که با دستیابی به اسرار حیاتی ما، فن‌آوری‌های به ویژه تسلیحاتی خود را توسعه داده و از این طریق طرح‌های استراتژیک ما را به چالش بگیرند. چنانچه سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه موفق به دستیابی به این اطلاعات و اسرار فنی حیاتی گردند، هم منابع سرمایه‌گذاری ما و هم تفوق و برتری ما در زمینه امنیت ملی را به بازی خواهند گرفت. امروزه بیش از ۹۰ کشور جهان، دستیابی به فن‌آوری‌های حساس ایالات متحده را در زمره اهداف و چشم‌اندازهای خود گنجانده‌اند و برای نیل به آن نیز برنامه‌ریزی کرده‌اند... نکته حائز اهمیت این است که هرچند غالب رقابت‌های اقتصادی، قانون‌مند و آزاد است، اما همیشه چنین نیست و برخی اوقات این رقابت‌ها منجر به بروز اقدامات گوناگونی می‌گردد. برخی رقبای تجاری که تحت حمایت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه فعالیت می‌کنند، از روش‌های اطلاعاتی سستی بهره می‌برند تا بر شرکت‌های آمریکایی پیروز شوند. افشای اطلاعات و اسرار حساس تجاری منجر به کاهش برتری‌های اقتصادی ما شده و امنیت ملی ما را در مخاطره قرار می‌دهد ... در نتیجه، هزینه تحقیقات و توسعه فن‌آوری‌های جدید و ابتکارآمیز به مراتب افزایش خواهد یافت» (National Counterintelligence Executive, 2005: 5,6).

این رویکرد در اسناد مربوط به استراتژی ضد اطلاعات ملی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نیز تکرار شده است (National Counterintelligence Executive, 2008: 5; 2009: 5).

بنابراین، کشورها باید رویکردی تهاجمی در مقابله با جاسوسی اقتصادی و صنعتی اتخاذ نمایند. این اقدامات شامل موارد زیر است:

۱. فراهم کردن زیرساخت‌ها و بستر قانونی و اجرایی لازم برای انجام اقدامات بهنگام در برخورد با تهدید.

۲. آگاهی‌بخشی و هشداردهی درباره خطر جاسوسی اقتصادی به جامعه تجاری دولتی و خصوصی از طریق برگزاری سمینارهای آموزشی.

۲-۲. نظارت بر فرایند توسعه: مقابله با فساد و تضمین امنیت اقتصادی

یکی از فعالیت‌های مهم سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی، ایفای نقش‌های نظارتی در حوزه اقتصادی است. البته، ممکن است این نقش به سازمان اطلاعاتی تخصصی سپرده شود یا در خلال دستورکار سازمان اطلاعاتی کشور قرار بگیرد. به عنوان مثال، در ایالات متحده نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی به دفتر اطلاعات و تحلیل وزارت خزانه‌داری سپرده شده است. در جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار در بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آورده است که وزارت اطلاعات «در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی در مقام ضابط قوه قضائیه اقدامات لازم را به عمل می‌آورد»^۱

۱. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا. ایران مصوب ۸۳/۶/۱۱ چهارشنبه ۳۶ آبان ۱۳۸۹، نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه - ضابطین «نظریه شماره: ۷/۲۱۳۲ - ۱۳۸۹/۴/۷»

مأمورین وزارت اطلاعات در زمره ضابطین دادگستری نمی‌باشند و ارجاع وظایف ضابطین موصوف به آنان با قانون مطابقت ندارد، لیکن طبق بند «۵» ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مأمورین وزارت مذکور، منحصراً در حدود بند «ب» ماده (۱۲۴) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی در مقام ضابط قوه قضائیه اقدامات لازم را به عمل می‌آورند و در سایر موارد به موجب ماده (۴) قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ مأمورین آن وزارتخانه باید اقدامات اجرایی خود را به وسیله ضابطین دادگستری انجام دهند، در خصوص پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با توجه به بند «۴» ماده (۱) قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱ اگر شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی

همواره گفته می‌شود که ایجاد زیرساخت‌های مناسب مانند قوانین واضح و مدون، امنیت سرمایه‌گذاری و نبود فساد اداری و مالی، از عوامل موفقیت روند توسعه اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود. در این بین، رابطه میان فساد اداری و مالی با توسعه اقتصادی، رابطه‌ای ویژه است. سطح و میزان فساد در کشور با تأثیر سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی، روند توسعه را تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد. رشوه‌خواری، رانت‌خواری، اختلاس و مانند آن از جمله مواردی است که گریبان‌گیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهایی است که در مراحل ابتدایی رشد قرار دارند. به عنوان نمونه، مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی دانش چین، طی تحقیقاتی که در یک دوره زمانی ۲۴ ساله انجام شده، به این نتیجه رسیده است که طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ تعداد سرمایه‌گذاران عمده که در چین سرمایه‌گذاری کرده‌اند به یک‌صد و ده کمپانی رسید، اما این تعداد در سال‌های ۹۰-۹۲ به هفتاد و نه سرمایه‌گذار کاهش یافت. دلیل این امر فساد شدید موجود در نظام مالیاتی این کشور بود که سرمایه‌گذار را به فرار از این کشور ترغیب می‌کرد (بزرگمهر، ۱۳۸۵). مبارزه با چنین مفاسدی، ضمن بالابردن مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی این کشورها، شفافیت فضای اقتصادی کشور را بالا برده و حس امنیت اقتصادی آن را نزد سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد. سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند در شکل‌گیری چنین فضایی نقش عمده‌ای ایفا نمایند، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم شکل‌گیری سازمان‌های نظارتی قوی و توانمند و یا جوان‌بودن آنها، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، در صورت مدیریت صحیح، می‌توانند تبدیل به عواملی برای هدایت مطلوب فرایند توسعه در این کشورها شوند. از طرف دیگر، به علت پیچیدگی و شبکه‌ای‌بودن تهدیدات اقتصادی در دنیای امروز مانند باندهای فساد و پول‌شویی بین‌المللی، باندهای قاچاق ارز، مواد مخدر و مانند آنها، سایر سازمان‌های نظارتی مانند پلیس یا بخش‌های قضایی از توانایی لازم برای شناسایی این تهدیدات برخوردار نیستند. بنابراین، شناخت و مقابله با این تهدیدات نیز نیازمند دخالت سازمان‌های اطلاعاتی

از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند در همان حد ضابط خواهند بود، همچنین افراد نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران به استناد بند «۳» ماده (۱۵) قانون صدرالذکر ناظر به ماده (۱۰) قانون حمایت قضایی از بسیج تحت شرایطی ضابط دادگستری می‌باشند.

http://www.imj.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=2004:1389-08-26-15-22-44&catid=93:1388-11-06-06-12-58&Itemid=349

کشورها می‌باشد. شناسایی این تهدیدات به تخصص‌ها و امکانات خاصی نیاز دارد که صرفاً در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی است. از این رو، این سازمان‌ها باید از امکانات خود در راستای نظارت و ممانعت از بروز این پدیده‌ها استفاده کنند. یک نمونه از چنین کارکردهایی، دستگیری شهرام جزایری، از مفسدین اقتصادی ایران در سال‌های اخیر توسط نهادهای اطلاعاتی ایران است. از دیگر مصادیق عینی از کارکردهای نظارتی سرویس‌های اطلاعاتی می‌توان به مبارزه وزارت اطلاعات با شرکت‌های هرمی اشاره کرد.

نوع دیگری از کارکردهای نظارتی و کنترلی سازمان‌های اطلاعاتی که در ثبات اقتصادی و سیاسی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه نقش بسزایی دارد، نظارت بر جریان سرمایه در کشور است. با توجه به آثار منفی سرمایه‌گذاری‌های خارجی (مخصوصاً از نوع کوتاه‌مدت) حضور این سرمایه‌ها در کشور و شناسایی هدف و نیت سرمایه‌گذار از انتقال سرمایه به اقتصاد کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. این موضوع به طور خاص پس از بی‌ثباتی‌های مالی و پولی سال ۱۹۹۷ شرق آسیا که در پی خروج ناگهانی سرمایه‌های خارجی از این کشورها به وقوع پیوست، بیشتر در کانون توجهات قرار گرفته است. سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند با ارزیابی‌های دقیق از وضعیت اقتصاد جهانی، منطقه‌ای و کشوری، در مدیریت جذب این سرمایه‌ها و شرایط صدور مجوز جذب دخالت نمایند. در بسیاری از موارد، ممکن است هویت واقعی و هدف اصلی سرمایه‌گذار مبهم باشد. نهادهای اطلاعاتی می‌توانند با شناسایی سرمایه‌گذاران (به ویژه اگر میزان سرمایه‌گذاری آنان از حجم بالایی برخوردار باشد) از احتمال توطئه‌های اقتصادی برای بی‌ثبات کردن کشور بکاهند. برای مثال، تصور کنید یکی از مخالفان دولت بنگلادش، به میزان یک میلیارد دلار سرمایه خارجی را وارد اقتصاد بنگلادش کند و پس از سه ماه آن را بیرون بکشد. پیامدهای چنین اقدامی برای اقتصادهای نوپای کشورهای در حال توسعه که از یک طرف نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی‌اند و به همین دلیل نمی‌توانند قوانین سخت‌گیرانه در این مورد وضع کنند و از طرف دیگر، اقتصاد آنها ظرفیت تحمل چنین شوک‌هایی را ندارد، بسیار عظیم خواهد بود. سازمان‌های اطلاعاتی با تحقیق در خصوص سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند تا حدی از وقوع چنین بحران‌هایی جلوگیری کنند.

در سال ۱۹۹۲، صندوق بین‌المللی پول وخامتی جدی و رو به افزایش را در گزارش‌های گردش پولی کشورهای مختلف مشاهده کرد. با وجود اینکه جریان ورودی و خروجی پول باید دارای توازن باشد، عدم تطابق غیرقابل توجیه معادل ۶۰ میلیارد دلار مشاهده گردید. کار به جایی رسید که صندوق بین‌المللی پول از ناتوانی خود در شناسایی کشورهای دخیل در گردش غیرقانونی پول خبر داد. در نهایت، دو تن از اساتید دانشگاه فلوریدا اظهار داشتند که پول‌شویان از طریق درج بالاتر یا پایین‌تر بهای کالاهای وارداتی و صادراتی، هر ساله میلیاردها دلار پول را جابه‌جا می‌کنند. جریان سریع پول کثیف به فعالیت‌های قانونی و مشروع ممکن است به معضلی جدی تبدیل شود، زیرا با این پول می‌توان بزرگ‌ترین بنگاه‌های مالی و کسب و کار کشورها را صاحب شد که خود مغایر منافع امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. به قول یکی از رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی اروپا «یک روز صبح از خواب بیدار می‌شوید و دیگر نمی‌دانید که صنعت حمل و نقل کشور به دست چه کسی افتاده است. قبلاً هیچ‌گاه لازم نبود نگران این جور چیزها باشیم.» (فیالکا، ۱۳۸۱: ۲۷۵). در ایالات متحده، وظیفه مراقبت از تلاش‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایالات متحده یا خرید املاک در آمریکا و سایر سرمایه‌گذاری‌ها به سازمان‌های اطلاعاتی محول شده است. این مسئولیت که در آمریکا با نام بررسی تملک خارجی شناخته می‌شود، مستلزم آن است که سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا اطلاعات لازم در مورد سرمایه‌گذاران خارجی را برای کمیته سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایالات متحده که کمیته‌ای بین‌سازمانی با عضویت وزارت بازرگانی به عنوان عضو اصلی است، فراهم کند (جانسون، ۱۳۸۴: ۳۲۰).

همچنین این سازمان‌ها می‌توانند با نظارت بر تعهدات و قراردادهای اقتصادی میان شرکت‌ها و دولت‌های خارجی با طرف‌های داخلی و کنترل فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشور، ضمن فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای مبارزه با فساد اقتصادی داخلی، از احتمال فریب در قراردادهای اقتصادی با شرکت‌ها و دولت‌های خارجی جلوگیری کنند. یکی دیگر از نکات بسیار مهم در خصوص نظارت بر قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری میان دولت با کنش‌گران اقتصادی خارجی مربوط به اخبار و اطلاعاتی است که دولت برای جلب نظر سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی، در اختیار آنها قرار می‌دهد. از آنجایی که کشورهای در حال توسعه برای پیشبرد پروژه‌های اقتصادی خود نیازمند سرمایه و توانایی فن‌آورانه طرف‌های خارجی‌اند، مجبور می‌شوند برای ایجاد اطمینان

نزد طرف خارجی، اطلاعات و اخبار مختلف کشور را در اختیار آنان قرار دهند. سرویس‌های اطلاعاتی حریف ممکن است از این حربه استفاده کرده و با طراحی قراردادهای صوری به اطلاعات مورد نیاز خود، بدون مانع اساسی، دسترسی پیدا کنند. در چنین شرایطی سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای در حال توسعه می‌توانند با بررسی و ارزیابی اولیه طرف‌های خارجی و حضور در تمام فرایندهای عقد قرارداد، از بروز این مشکلات جلوگیری کنند.

در مجموع، کارکردهای نظارتی و کنترلی سرویس‌های اطلاعاتی برای تضمین امنیت اقتصادی در فرایند توسعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- نظارت بر روند فعالیت‌های مالی، تجاری و بازرگانی در جهت کاهش میزان فساد اقتصادی و جلوگیری از بی‌ثباتی اقتصادی در داخل و خارج از کشور.

- نظارت بر روند جریان سرمایه

- نظارت بر تبادلات و قراردادهای شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی.

در پایان این قسمت لازم است بر این نکته تأکید شود که دخالت سازمان‌های اطلاعاتی در اقتصاد می‌بایست با وضع قوانین دقیق و شفاف مشخص و معین شود تا از سوءاستفاده از رانت اقتصادی توسط این نهادها و وابستگان آنان و مداخلات غیرقانونی جلوگیری شود. وضع این قوانین، تضمین خواهد کرد که این سازمان‌ها که وظیفه نظارت و کنترل بر اجرای قوانین و شفافیت محیط اقتصادی را بر عهده دارند، خود تبدیل به موانع اقتصادی و کارتل‌های عرصه اقتصاد نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

از منظر سیاست‌گذارانه، اطلاعات اقتصادی بهنگام و مناسب، عاملی مؤثر در مدیریت کارآمد اقتصادی است. بنابراین، قرارگرفتن اهداف اقتصادی در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی می‌تواند منجر به افزایش خردگرایی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی شود. بنابراین، جهت‌گیری نقش‌های سه‌گانه اطلاعات در سیاست‌گذاری به سمت اهداف توسعه‌ای، می‌تواند عاملی ایجابی در پیشبرد فرایند توسعه باشد. البته، سرویس‌های اطلاعاتی هیچ‌گاه نباید تبدیل

به بنگاه‌های اقتصادی شده و درگیر اجرای پروژه‌های توسعه گردند. جدول زیر سازگاری فرضیه‌های این مقاله با نقش‌های سه‌گانه اطلاعات در سیاست‌گذاری را نشان می‌دهد:

سازمان‌های اطلاعاتی و توسعه اقتصادی	سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست‌گذاری
تولید اطلاعات اقتصادی از طریق جاسوسی اقتصادی و رصد اقتصاد داخلی و بین‌المللی	نقش شناختی
نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی داخلی، جریان سرمایه در کشور و... برای مبارزه با فساد و تأمین امنیت اقتصادی	نقش نظارتی
ندارد	نقش اجرایی

به این نکته نیز باید توجه داشت که نقش تولید اطلاعات اقتصادی در فرایند توسعه، به شدت وابسته به سیاست‌های توسعه‌ای دولت و توانایی مدیریت و جهت‌دهی سرویس اطلاعاتی در راستای اهداف توسعه‌ای، توسط نخبگان اجرایی است. اطلاعات اقتصادی عامل اساسی توسعه نیست، بلکه یکی از عوامل فرعی مؤثر بر آن است. جاسوسی اقتصادی توسط سرویس‌های اطلاعاتی را در بهترین حالت می‌توان به تزریق یارانه در فرایند توسعه تشبیه کرد. یکی از گزارش‌های اطلاعاتی سازمان سیا در اوایل دهه ۱۹۸۰ تأکید می‌کند که شبیه‌سازی و سرقت فن‌آوری غربی توسط جاسوسان شوروی آنقدر گسترده است که باید آن را یارانه‌ای برای پروژه‌های نظامی و اقتصادی شوروی به شمار آورد (Lathrop, 2004: 128). در دنیایی که مقهور فن‌آوری است، دسترسی به اسرار تجاری عامل بی‌بدیل موفقیت به شمار می‌رود و سرویس‌های اطلاعاتی ابزارهایی مطمئن برای این هدف هستند.

منابع

- بزرگمهر، آرش (۱۳۸۵)؛ «جدال فساد و اقتصاد»، *کارگزاران*، چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۸۵.
- تروتون، گری گوری اف. (۱۳۸۳)؛ *تجدید ساختار اطلاعات در عصر اطلاع‌رسانی*، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- جانسون، لاک کی. (۱۳۸۴)؛ «اطلاعات در خدمت امنیت اقتصادی»، در هارولد شوکمن، *عواملی برای تغییر: سازمان‌های اطلاعاتی در قرن بیست و یکم*، ترجمه ناشر، تهران: دانشکده امام باقر (ع)، صص. ۲۹۵-۳۵۲.
- دمارانش، کنت (۱۳۸۰)؛ *جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت*، ترجمه سهیلا کیانتاژ، تهران: اطلاعات.
- شوایتزر، پیتر (۱۳۸۷)؛ *دوستان جاسوس*، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- فیالکا، جان جی. (۱۳۸۱)؛ *جنگ از راهی دیگر: جاسوسی اقتصادی در آمریکا*، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد اول، تهران: طرح نو.
- گادسون، روی و همکاران (۱۳۸۰)؛ *اطلاعات آمریکا بر سر دوراهی*، ترجمه ناشر، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- گیلپین، رابرت (۱۳۸۷)؛ *اقتصاد سیاسی جهانی: درک نظم اقتصاد بین‌الملل*، ترجمه مهدی میرمحمدی، محمود یزدان‌فام، علی رضا خسروی و محمد جمشیدی، تهران: تدبیر اقتصاد.
- لاکوئر، والتر (۱۳۸۱)؛ *جهان اسرار*، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- لفت ویک، آدرین (۱۳۸۴)؛ سیاست و توسعه در جهان سوم، ترجمه علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، تهران: ابرار.
- لوونتال، مارک ام. (۱۳۸۷)؛ *فرآیند اطلاعات از اسرار تا سیاست*، ترجمه، معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۸۸)؛ *توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی*، تهران: پیام نور.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰)؛ *نقش سازمان‌های اطلاعاتی در سیاست خارجی: مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی آمریکا*، تهران: ابرار.
- Asher, Robert (1962); *Development of Emerging Countries*, Washington D.C.: The Brookings Institute.
- Auroi, Claude, ed. (1992); *The Role of The State in Development Processes*, London: Frank Cass.

- Baran, P. (1973); *The Political Economy of Growth*, Harmondsworth: Penguin.
- Bergstrom, Villy, ed. (1997); *Government and Growth*, Oxford: Oxford University Press.
- Dian C. Snyder, Economic Intelligence in the Post-Cold War Era: Issues for Reform, <http://www.fas.org/irp/eprint/snyder/economic.htm>
- Forsyth, Tim, ed. (2005); *Encyclopedia of International Development*, London: Routledge.
- Hickey, s., Mohan, G. (2003); *Relocating Participation within a Radical Politics of Development: Citizenship and Critical Modernism*. Draft Working Paper prepared for Conference on 'Participation: from Tyranny to transformation? Exploring new approaches to participation in development', 27-28 February 2003, university of Manchester, Manchester.
- Hirschman, Albert O. (1968); *The Strategy of Economic Development*, London: Yale University Press.
- Kitching, G. (1982); *Development and Underdevelopment in Historical Perspective*, London: Routledge.
- Kuper, Adam, Kuper, Jessica, ed., (1996); *The Social Science encyclopedia*, London: Routledge.
- Lathrop, Charles E. (2004); *The Literary Spy: The Ultimate Source for Quotations on Espionage And Intelligence*, New Haven: Yale University Press.
- Little, I. M. D. (1983); *Economic Development: Theory, Policy and International Relations*, New York.
- Lung, Minh A. (2003); *Espionage: A Real Threat, Optimize*, Oct. 2003, <http://www.optimizemag.com/issue/024/security.htm>
- Nasheri, Hedieh (2005); *Economic Espionage and Industrial Spying*, Cambridge University Press.
- National Counterintelligence Executive (2005); *The National Counterintelligence Strategy of United States*, Washington D.C.: ONCIX.
- National Counterintelligence Executive (2008); *The National Counterintelligence Strategy of United States*, Washington D.C.: ONCIX.
- National Counterintelligence Executive (2009); *The National Counterintelligence Strategy of United States*, Washington D.C.: ONCIX.
- Pomfret, Richard (1992); *Divers Paths of Economic Development*, New York: Harvester.
- Porteous, Samuel D. (1995); "Economic/Commercial Interests and the Worlds Intelligence Services: A Canadian perspective", *International Journal of Intelligence and Counter intelligence*, Vol.8, No. 3, fall 1995, pp.275-306.
- Porteous, Samuel (1994); "Economic Espionage", *Intelligence and national security*, Vol.9, No.4, October, pages 735-752.
- Richelson, Jeffrey T. (2008); *The US Intelligence Community*, Colorado: Westview Press.
- Sean, Gregory (1997); *Economic Intelligence in the Post-Cold War Era: Issues for Reform*, 10th Feb. 1997, <http://www.fas.org/irp/eprint/snyder/economic.htm>
- Thomas, A. (2000); "Development as Practice in a Liberal Capitalist World", *Journal of International Development*, Vol. 12, No. 6, pp. 773-787.
- Thomas, a. (2004); "The Study of Development". *Paper Prepared for DSA Annual Conference*, 6 November, Church House, London.
- Warner, William T. (1994); "International Technology Transfer and Economic Espionage", *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, Vol. 7, No.2, pp.143-160.
- Wright, Jeffrey W. (1991). "Intelligence and Economic Security", *International Journal of Intelligence and Counter intelligence*, Vol. 5, No. 2, pp. 203-221.
- Zelikow, Philip (1997); "American Economic Intelligence: Past Practice and Future Principles", *Intelligence and National Security*, Vol. 12, No. 1, pp. 164-177

